

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید که بحث به اینجا رسید و عرض کردیم برخی از آقایان برای اثبات اصالة التبعید به آیه اطیعوا الله و... تمسک کرده اند و فرموده اند در فرض شک، باید واجبات را به صورت تبعیدی انجام دهیم. وجه استدلال دیروز بیان شد؛ استدلال این بود که در قرآن آیاتی داریم که خدای تعالی می فرماید: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول... از طرفی معلوم است که متعلق اطیعوا الله واجبات و محرمات هستند؛ اطاعت هم مضیق است یعنی اطاعت بدون قصد امر و تقرب محقق نیست. توصیلات هم از این اصل خارج شده اند. هر جا دلیل بر توصلی بودن داشتیم که عمل توصلی است و الا اصالة التبعیدیة حاکم است. برخی به این استدلال جواب داده اند به عنوان مثال شیخ انصاری می فرماید: شما در معنای اطاعت اشتباه می کنید که اطاعت را منوط به قصد امر می دانید. اطاعت دو معنا دارد. 1: انجام واجب به قصد امر 2. عدم معصیت و لو اینکه با خدا و رسول هم ارتباطی نداشته باشد. مثلاً کسی که نفقه زن و بچه اش را می دهد اطاعت کرده است ولو اینکه قصد امتثال نداشته باشد یا اصلاً مسلمان نبوده و... پس عدم معصیت هم اطاعت محسوب می شود؛ اتفاقاً مراد در آیه، صرف عدم معصیت است به قرینه اطیعوا الرسول... چون قصد تقرب در مورد اطیعوا الرسول معنا ندارد. اوامر رسول خدا که قصد تقرب و اطاعت لازم ندارد. خب اطیعوا الله را هم مانند اطیعوا الرسول معنا کنید و بگویید در هر دو عدم معصیت مراد است. در ضمن اگر شما قائل به اصالة التبعیدیة باشید تخصیص اکثر رخ می دهد چرا که اکثر واجباتی که ما انجام می دهیم توصلی است. از صبح تا شب اکثر واجبات ما توصلی هستند. شیخ می فرماید: این آیات دلالت بر اصالة التبعیدیة ندارد.

تحقیق

به نظر شما آیا حق با مستدل است یا حق با شیخ؟
استاد: البته عرض کنم شیخ جواب را نقل قول می کند نه اینکه خودش قبول داشته باشد. چون جواب، جواب ضعیفی است و از منزلت شیخ به دور است.
نکته: راجع به معنای اطاعت و طاعت (ظاهراً طاعت همان مصدر باب افعال است البته غیر قیاسی است نه اسم مصدر) باید بگوییم که معنای ساده ای ندارند خود طاعت و اطاعت معنایشان خیلی روشن نیست. برخلاف معصیت که معنای روشنی دارد. ما در یک جا به مناسبت مفصل در مورد طاعت و اطاعت بحث خواهیم کرد.
دو نظر در مورد طاعت مطرح شد. 1: اوامر الهی را به قصد امر و امتثال انجام بدهید. 2. اطاعت صرف عدم معصیت است. استاد: به نظر ما نه ضیق معنای اول درست است و نه وسعت معنای دوم؛ اگر کسی دستور دیگری را صرفاً جهت ترس یا منافع دنیوی خودش انجام دهد آیا اطاعت نکرده است؟! یعنی آیا فرمان را انجام نداده؟ اگر کسی خرج عیال خود را از روی علاقه بپردازد آیا اطاعت نکرده است؟ آیا در قیامت مواخذه می شود؟ اگر کسی اوامر سلطان را انجام دهد آیا اطاعت نکرده؟ طبق نظر اول این ها اطاعت نیستند ولی ما معتقدیم طاعت به معنای فرمانبری است؛ به نظر ما در این موارد اطاعت صادق است بلکه در تمام موارد واجبات توصلی اطاعت صادق است و روز قیامت هم جزء اطاعت کنندگان محشور می شویم. به خلاف قائلین به معنای اول
اما معنای موسع دوم: که می گفت هر عدم معصیتی اطاعت است ما عرض می کنیم آیا شخصی که خواب است هم دارد

اطاعت می کند. (اشکال به نظر دوم)

عبارت برگه

* ان الاطاعة هي الامتثال

* و التعبد الامتثال للمولى بمثل قصد الامر ونحوه

* و العباداة نفس الثانی مع صدق العباداة (پرستش)

سوال: اگر اطاعت صرف امتثال شد آیا این آیه دلالت بر اصالة التعبدية می کند یا نه؟ این آیه اجنبی از اصل تعبد است؛ ما چنانکه از آیه سوره بینه استفاده اصالة التعبد نکردیم از این آیه نیز نمی توانیم چنین استفاده ای کنیم. اگر دقت کرده باشید ما برای اثبات اصالة التعبدية ابتدا سراغ قرآن رفتیم آیه سوره بینه را توضیح دادیم همچنین آیه اطیعوا الله را نیز بیان کردیم و از توضیح آیه سوره توبه صرف نظر کردیم. الان در مدیریت بحث، باید به سراغ روایات برویم. اشکال: اطاعت از ماده طوع است و طوع در قرآن به معنای میل قلبی و شوق است لذا اگر عملی از روی طوع نباشد اطاعت نیست؟

پاسخ استاد: دو نکته باید لحاظ شود. 1: اگر کسی به خاطر ترس از جهنم عبادت کند آیا شما می گوید اطاعت نکرده است؟! 2: ما مبنایی داریم مبنا این است: در مشتقات یک ماده لازم نیست معنای ماده در تمامی مشتقات باشد. تصور شما (سائل) یک تصور عمومی است و البته اشتباه است. شما فریب نخورید و نگویید چون اطاعت از ماده طوع است پس در اطاعت باید میل باشد. دانستن این نکته در فقه، کلام خصوصاً تفسیر بسیار موثر است.

روایات

* انما الاعمال بالنیات (معمولاً آقایان انما را برای حصر می گیرند یعنی عمل فقط با نیت ارزش دارد)

* لكل امری ما نوى (برای هر انسانی آنچه نیت می کند قبول است)

وجه استدلال: شهید اول در اولین قاعده از کتاب القواعد و الفوائد تحت عنوان تبعیت العمل للنیة می فرماید: اعمال باید با نیت باشد و در نیت هم باید قصد تقرب باشد و به این دو حدیث استناد می کند و می فرماید: باید عبادات ما با نیت باشد و در نیت هم قصد تقرب داشته باشیم.

استاد: به نظر من اگر از ایشان بپرسیم که آیا اصل در واجبات اصالة التعبدية است یا نه؟ ایشان می فرماید بله اما شیخ انصاری در مطرح، محقق خوبی در محاضرات و دیگران می گویند این روایات دلالت بر اصالة التعبدية نمی کند. مراد از اعمال در این روایات، خصوص عبادات است نه همه اعمال (شامل غذا خوردن و دست شستن و... نمی شود) اگر از این روایات اصالة التعبدية را قائل شویم تخصیص اکثر بشیع رخ می دهد. از طرفی پیامبر بفرمایند: انما الاعمال بالنیات و از طرفی در 90 درصد واجبات نیت لازم نباشد.

برخی از بزرگان جواب دیگری داده اند و فرموده اند ممکن است از این روایات، ارزش گذاری اعمال برداشت شود ممکن است صحت و بطلان برداشت شود؛ آنچه به درد ما می خورد صحت و بطلان است نه ارزش گذاری اعمال؛ اولاً: این روایات در مورد ارزش گذاری اعمال است تانیاً: اگر کوتاه بیایم می گوئیم احتمال می دهیم در مورد ارزش گذاری اعمال باشد احتمال می دهیم در مورد صحت و بطلان باشد در هر صورت به درد استدلال نخواهد خورد. چون دو احتمال در آن مطرح است اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.

استاد: ما از قرآن که به چیزی نرسیده ایم از روایات نیز به چیزی نرسیدیم. در اصول عملیه نیز اصالة الاشتغال را نپذیرفته بلکه قائل به برائت شدیم از طرفی دیگر اطلاق مقامی را نیز قبول داریم؛ ما حتی اطلاق اوامر اولیه را بی اشکال می دانستیم. از این رو ما به اصل تعبد نرسیدیم بلکه به چیزی رسیدیم که حکم توصلی را دارد.

عبارت برگه

الخلاصة و النتيجة

الذی وصلنا الیه فی نهاية البحث والتحقیق:

ان مقتضى الاوامر الخاصة لا يزيد على التوصلية و الادلة المذكورة لا تنهض حجة على الاصل الثانوى، فعند الشك لا بد من الاخذ بمقتضى اصالة البرائة. و قبل الشك فى ذلك قد يتمسك باطلاق ادلة الواجبات(تقسيمات اوليه) او الاطلاق المقامى، حسب ما اوضحناه سابقا على البسط و التفصيل.

ما در دور قبل در مورد استصحاب و اصالة العدم هم خيلى بحث كرديم اما در اين دور بنا بر عبور داريم.

اگر يادتان باشد سال گذشته گفتيم اگر شك در تعبدى و توصلى كرديم چه كنيم؟ تا به امروز اين بحث به طول انجاميد؛ سال گذشته عرض شد كه فقط بحث بر سر تعبدى و توصلى نيست بلكه اگر شك كرديم واجبى مباشرت(جايى كه تصور نيابت هم هست) مى خواهد يا نه چه بايد بكنيم؟ و چند بحث ديگر ... انشالله اين مباحث را در جلسات آينده پيگيرى خواهيم كرد.

والحمد لله رب العالمين